

سیاست های منطقه ای ترکیه در قفقاز و تعامل با ایران

دکتر بهرام امیراحمدیان*

مقدمه

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و فروپاشی نظام دوقطبی و متعاقب آن انحلال پیمان ورشو برخی تصور می‌کردند که ترکیه اهمیت خود را به عنوان تنها عضو مسلمان ناتو و متحد غرب، اهمیت خود را از دست خواهد داد. اما ترکیه‌ای که توانسته بود نهایت استفاده و بهره برداری از موقعیت خود را در دوره جنگ عراق علیه ایران در سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۷ ببرد، توانست این بار نیز در دوره پس از جنگ سرد از فضای ایجاد شده بهترین بهره برداری را شرایط موجود ببرد.

هدف گورباچف از انحلال پیمان ورشو این بود که فلسفه وجودی پیمان ناتو را به چالش بکشد و چون پیمان ورشو منحل شود، نیازی به پیمان ناتو احساس نخواهد شد و ناگزیر این پیمان نیز منحل خواهد شد. در این فضا روسیه خواهد توانست از شرایط مهار ژئواستراتژی دریایی خلاصی یافته و ترکیه با از دادن اهمیت خود در چارچوب محاسبات استراتژیکی غرب و ناتو ناگزیر به نزدیکی و همکاری بیشتر با روسیه خواهد شد. دریای سیاه از سایه سهمگین ناتو رهایی خواهد یافت و دست روسیه برای سیطره بر پیرامون این دریا باز خواهد بود. اما آنچنان که گورباچف می‌اندیشید اتفاق نیفتاد و اوضاع بگونه‌ای دیگر رقم خورد. در ایران نیز چنین پنداشته می‌شد که با انحلال ورشو و متعاقب آن انحلال ناتو، ایران می‌تواند به قدرت اول منطقه تبدیل شود و از همسایگی با ناتو خلاصی خواهد یافت. طبیعی بود که پایان جنگ سرد در ترکیه نیز موجب نگرانی‌هایی شده بود که ممکن است ترکیه اهمیت خود را برای غرب و ناتو از دست بدهد و سبب تضعیف قدرت منطقه‌ای ترکیه بشود. از این رو ترکیه برای بقای خود و حفظ موقعیت استراتژیک خود کوشش‌های بسیاری به خرج داد.

ترکیه با موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی خود نمونه منحصری است که توانسته با مدیریت کارآمد این وضعیت شکننده را به فرصت تبدیل کرده و از بحران‌های متعددی که پس از پایان جنگ سرد با آن روبرو بود پیروزمندانه به پیش برود. ترکیه کشوری آسیایی است که فقط ۱۸ درصد از خاک آن در اروپا قرار دارد، اما این کشور بر این باور است که در ساختارهای اروپایی باید مورد ملاحظه قرار گیرد. بی‌جهت نیست که برای پیوستن به اتحادیه اروپا سال‌هاست مبارزه می‌کند و در این راه ناامید نیست. شاید هیچ کشوری در سیاست خارجی خود چنین بردباری و حوصله نداشته باشد. از این جهت شاید ترکیه در پیگیری خواسته‌های خود در عرصه بین‌المللی زبانزد باشد. ترکیه کشوری آسیایی است و اگر چه در خاورمیانه تعریف می‌شد، اما مدت‌هاست که در همه تقسیم‌بندی‌های سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی خود را اروپایی معرفی می‌کند، از مسائل فرهنگی، ورزشی تا سیاسی و اقتصادی. ترکیه در عین حال کشوری مدیترانه‌ای است و با تمدن‌های اروپایی مدیترانه و تمدن‌های جنوب مدیترانه خود را بازتعریف می‌کند و در سازوکارهای مدیترانه حضور دارد. ترکیه با شبه جزیره بالکان همسایه است و در سایه روابط تاریخی دوره عثمانی با کشورهای بالکان می‌خواهد به ایفای نقش پردازد. اگرچه اروپای شرقی و بویژه بالکان خاطرات تلخی از دوره عثمانی و سیطره آنها دارد، اما ترکیه خود را به این منطقه تحمیل می‌کند. در منطقه دریای سیاه، ترکیه به قدرتی برتر تبدیل شده و برخی مواقع روسیه را در حاشیه قرار داده است. روس‌ها و اوکراینی‌ها نتوانسته‌اند بر جایگاه برتر ترکیه در حوزه این دریا خللی وارد سازند. تاسیس سازمان همکاری‌های کشورهای دریای سیاه نقش برتر ترکیه را در این دریا تثبیت کرده است. از زمان معمار اقتصاد نوین ترکیه یعنی «تورگوت اوزال» ترکیه دگرگون شده است. ترکیه در سازمان همکاری‌های منطقه‌ای (اگو) عضویت دارد، اگرچه تمایلی به حضور در یک ساختار آسیایی ندارد، اما بیشتر برای تاثیرگذاری منفی و جلوگیری از پویایی در آن نقش مهمی داشته است و آن را غیر فعال کرده است. ترکیه در سازمان کنفرانس اسلامی عضویت دارد و از این راه خود را در جهان اسلام مطرح می‌سازد، هر چند با اسرائیل روابط استراتژیک دارد و کشوری برای جلب گردشگران اروپایی است. به سخنی دیگر می‌توان گفت ترکیه همه چیز است و در همه جا حضور دارد. سیاست خارجی ترکیه در نوع خود قابل تامل است. آنها می‌خواهند از هر فرصت ممکن بهره‌برداری کنند و در این کار استاد هستند. ترکیه می‌تواند تهدیدها را به فرصت تبدیل و از آن بهره‌گیرد.

در جریان کنفرانس بین‌الملل اقتصاد در داووس سویس در ژانویه سال جاری میلادی (۱۰ بهمن ۱۳۸۷)، اردوغان در جلسه مناظره با رئیس‌جمهور اسرائیل موضع انتقادی و تندی بر علیه اسرائیل اتخاذ

کرد که اردوغان را به قهرمان جهان اسلام تبدیل کرد. بحران اقتصادی جهانی و توقف جریان سرمایه گذاری خارجی از سوی غرب و کاهش توریست‌های غربی، ترکیه را به اتخاذ سیاست ضد اسرائیلی سوق داد تا بتواند پس از برگزاری اجلاس، همچون قهرمان ملی از سوی مردم استانبول مورد استقبال قرار گیرد. با این شیوه عمل سرمایه‌های کشورهای اسلامی و مسلمان دیگر نقاط جهان بسوی ترکیه روان می‌شود و توریست‌های مسلمان و کشورهای شرقی جایگزین توریست‌های غربی می‌شوند. رجب طیب اردوغان سیاستمداری برجسته است و به خوبی می‌داند که به ظاهر باید به اسرائیل پرخاش کند، هرچند روابط دیپلماتیک هنوز برقرار است و روابط همه جانبه و بویژه نظامی و استراتژیک پابرجا و بدون خدشه باقی مانده است. مروری بر روابط ترکیه با سایر کشورها به خصوص بیش از پیش جایگاه و اهمیت ترک‌ها در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی را نشان می‌دهد.

- ترکیه و ارمنستان: در دوره جنگ سرد ترکیه در محل برخورد دو ژئواستراتژی دریایی (به رهبری ایالات متحده و پیمان ناتو) و ژئواستراتژی زمینی (اتحاد شوروی و پیمان ورشو) قرار داشت. خصومتی بزرگ بین شوروی و ترکیه وجود داشت. ارمنستان بیش از همه با ترکیه در تضاد بود، خاطرات تلخ کشتار ارامنه در ۱۹۱۵ و از دست رفتن ارمنستان غربی (قلمرو شرقی ترکیه کنونی) و واقع شدن کوه مقدس ارامنه (آارات که ترک‌ها آن را آغری می‌نامند) در قلمرو ترکیه، نوستالژی ارامنه است. آارات نامی مقدس در ارمنستان است، نقاشی‌ها، کنده کاری‌ها، نمادهای ملی، نام‌های اشخاص و اماکن، به آارات مزین هستند. آارات نماد ملی مردم ارمنستان و ارامنه سراسر جهان است، اما آنها آن را دور از دسترس و در قلمرو ترکیه می‌بینند و آه می‌کشند. اکنون پس از گذشت نزدیک به یک قرن، ترکیه دست دوستی بسوی مردم ارمنستان دراز کرده و برای نخستین بار بالاترین مقام ترک، آقای عبدالله گل در سال ۲۰۰۸ برای تماشای بازی تیم ملی فوتبال ترکیه با ارمنستان در چارچوب بازی‌های مقدماتی جام جهانی فوتبال به ایروان رفت و در کنار رئیس جمهور ارمنستان دیپلماسی فوتبال را برای برقراری روابط دیپلماتیک بکار بستند. رئیس جمهور ترکیه از سوی برخی نیروهای ملی و محافظ مخالف مورد انتقاد قرار گرفت و آذری‌ها عصبانی شدند. رئیس جمهور ارمنستان نیز متعاقباً به دعوت عبدالله گل به ترکیه رفت. امضای موافقتنامه از سرگیری روابط دیپلماتیک که در دیدار وزرای خارجه ترکیه و ارمنستان در ۱۰ اکتبر ۲۰۰۹ (۸۸/۷/۱۸) در شهر زوریخ سوئیس به امضاء رسید، مورد اعتراض مقام‌های آذری قرار گرفت و دولت آذربایجان برای نشان دادن میزان عصبانیت خود اعلام کرد که برای صادرات نفت و گاز خود از مسیرهای دیگری بجز ترکیه اقدام خواهد کرد.

- ترکیه و آذربایجان: در آذربایجان یک نوع ناامیدی نسبت به ترکیه بروز کرده است، هر چند نخست وزیر ترکیه آقای اردوغان چند روز پس از امضای موافقتنامه اعلام کرد که از سرگیری روابط با ارمنستان و گشودن مرزهای ترکیه بسوی ارمنستان مشروط به خروج آرامنه از مناطق اشغالی ارمنستان از خاک آذربایجان و تخلیه قره‌باغ کوهستانی است. اما باید دانسته شود که میزان روابط تجاری غیر رسمی تجار ترک با ارمنستان در سالهای اخیر و با وجود نبود روابط دیپلماتیک، بیش از میزان روابط تجاری رسمی ارمنستان با ایران است و ترکیه با اعمال سیاست‌های دوگانه، هوشیارانه در قفقاز بازی می‌کند. به هر حال ترکیه با استقامت تمام در برابر همه آن چیزی که این کشور را در بر گرفته است، به قدرتی منطقه‌ای تبدیل شده است. این مورد بجز پایداری و کوشش‌های همه نیروهای ترکیه، امکان پذیر نیست.

- ترکیه و قره‌باغ: پس از فروپاشی شوروی، ترکیه به علت اشغال قره‌باغ از سوی آرامنه، روابط دیپلماتیک خود را با ارمنستان برقرار نکرد و از آذربایجان حمایت کرد. برقراری نزدیک ترکیه با آذربایجان، سبب دوری این جمهوری از ایران شد. ترکیه به شریکی مهم در صحنه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری آذربایجان تبدیل شد. ترکیه پس از سال‌ها شکل‌گیری اقتصاد جمهوری آذربایجان و محکم کردن جای پای خود در آذربایجان و مشارکت در طرح‌های متعدد از جمله حذف ایران از کنسرسیوم نفتی و تصاحب سهم ایران، اکنون می‌خواهد با ارمنستان روابط دیپلماتیک برقرار کند. اینک آذربایجان با تنیدگی اقتصاد خود با ترکیه بویژه شاهرگ حیاتی خود خط لوله باکو - تفلیس - جیحان و خط لوله انتقال گاز باکو - تفلیس - ارزروم، اسیر دست ترکیه است و در برقراری روابط دیپلماتیک ترکیه با ارمنستان نمی‌تواند اعتراضی داشته باشد، چون در آن صورت خط لوله‌ها می‌توانند بسته شوند.

- ترکیه و انرژی: تمام راه‌های انرژی و ترانزیت به روم ختم می‌شوند، اما نه به امپراتوری روم بلکه به بیزانس، امپراتوری روم شرقی، حکومت رومیه، یعنی عثمانی یا ترکیه کنونی. خط لوله گاز ترکمنستان، خط لوله باکو - تفلیس - جیحان، خط لوله انتقال گاز باکو - تفلیس - ارزروم، خط لوله گاز بلو استریم روسیه (از بستر دریای سیاه به ساسون ترکیه)، خط لوله گاز حوزه دریای خزر و آسیای مرکزی به اروپا (نابوکو) و . . . باید منتظر بعدی‌ها بود.

در ازمیر مجسمه‌ای از آتاتورک بنیانگذار ترکیه نوین موجود است که با دست بسوی غرب اشاره می‌کند و در زیر آن نوشته شده است که خطر شما از جانب غرب است. ترکیه سالهاست پشت دروازه‌های اروپا متوقف مانده و توجهی به شرق نداشته است. هیچگاه از شنیدن خبر منفی در پذیرش در اتحادیه اروپا ناامید نشده و همچنان می‌خواهد اسب تروای خود را از ازمیر همان سرزمین کهن زادگاه هومر،

به اروپا گسیل دارد. اگرچه از گسترش اندیشه پان ترکیسم نتوانست موفق شود، اکنون می‌توان در ترکستان روس و چین از طریق مبارزه با رئیس دولت اسرائیل ترکتازی کرد. ترکیه با همکاری آمریکا موفق شد بازارهای ایران در قفقاز و آسیای مرکزی و کشورهای همسایه ایران را فتح کند.

ایران و ترکیه

جنگ ایران و عراق فرصت خوبی بود تا ترک‌ها از هر دو سو سود ببرند. سال‌ها بخش حمل و نقل و ترانزیت ترک‌ها از گازوئیل تقریباً رایگان ایران تغذیه شد. دهه‌های متعدد این خوان یغما بروی ترک‌ها باز بود. آنها اکنون داعیه کشوری اروپایی دارند و در آسیا نمی‌گنجند. سازمان همکاری‌های منطقه‌ای (آر سی دی) و اکنون اکو بعد از فروپاشی شوروی، با وجود ترکیه درجا زده است. هر گاه به کارشناسان ترک گفته می‌شود که چرا شما بسوی شرق مسلمان نمی‌آیید که در آنجا مرکز ثقل خواهید شد و تنها بسوی اروپایی می‌نگرید که در حاشیه خواهید بود؟ اما آنها پاسخ می‌دهند که آینده ما در پیوستن به اروپاست نه به آسیا. آسیا حیات خلوت ترک‌هاست، اگرچه خاستگاهشان و هویتشان شرق و جهان اسلام باشد. اسلام در ترکیه اسلام سیاسی نیست، اسلامی ترکی است و مخصوص بخودشان. اکنون کشورهای مسلمان می‌پندارند که ترکیه حامی آنها خواهد بود، همان نظریه پردازانی که به بمب قدیرخان در پاکستان بمب اسلامی لقب دادند و اکنون در وحشت اینکه مبادا این بمب بدست برادران مسلمان طالبان پاکستانی بیافتد. این دوگانگی همچنان ادامه دارد. این خوش‌باوری‌ها ملل مسلمان را در رویای کاذب فرو می‌برد. اما ترکیه، همانند روسیه یک چهره پنهان هم دارد و آن تامین منافع ملی به هر قیمت و با بی‌رحمی اما با لبخند و ظاهری آراسته.

حالا داود اوغلو به ایران آمده است و با ابتکاری نو می‌خواهد میانجی ایران در پرونده هسته‌ای باشد. داود اوغلو البته نیک می‌داند که ایران از موضع خود کوتاه نخواهد آمد، اما برای ترکیه فرصت مغتنمی است که جایی هم در ایران برای ترک‌ها بگشاید. بخش مهم خاورمیانه ایران است. ترکیه در تقسیمات سیاسی جهان خود را از شر اصطلاح خاورمیانه رها کرده است و خود را در تقسیمات سیاسی جهان در اروپا قرار داده است، اگرچه کشوری است که فقط بخش اندکی از آن جای پای در اروپا دارد. ترکیه اکنون خود را در معادلات خاورمیانه‌ای که خود بدان تعلق ندارد درگیر کرده است و تنها عضو مسلمان ناتوست که می‌خواهد همسایه بلافصل خود گرجستان را وارد ناتو کند تا از آنجا جمهوری آذربایجان و سپس آسیای مرکزی را به عضویت درآورند. افغانستان در همسایگی شرق ایران در فاصله هزاران

کیلومتری ترکیه نیز جولانگاه ترکیه است تا از ضعف دیپلماسی ایران در منطقه بهره گیرد و جای خالی را پر کند.

اکنون روابط ترکیه با ایران در حال افزایش است. در حالی که ترکیه تمایلی به قدرت گیری ایران در منطقه ندارد و می خواهد جایگاه خود را همچنان بلامنازع حفظ کند، اما در عین حال به ایران نیاز دارد. زیرا ایران از شرکای مهم تجاری و اقتصادی ترکیه است و نیازهای انرژی ترکیه را برآورده می سازد. بخش قابل توجهی از درآمدهای گردشگری ترکیه از سوی ایرانیان تامین می شود. ترکیه مقام هشتم شرکای تجاری ایران است. در سال ۱۳۸۷ صادرات ترکیه به ایران ۱/۵ میلیارد دلار بود و صادرات غیر نفتی ایران به ترکیه ۵۲۶ میلیون دلار بود. از این رو کسری موزانه تجاری ایران به ترکیه به حدود یک میلیارد دلار می رسد. در سال ۲۰۰۸ بنا به گزارش بانک جهانی، تولید ناخالص داخلی ترکیه (که از نظر جمعیت اندازه ایران است و مساحت آن نیمی از مساحت ایران)، برابر ۷۹۵ میلیارد دلار و در آمد ناخالص داخلی ایران برابر ۳۸۵ میلیارد دلار بوده است (آمریکا به تنهایی بیش از یک چهارم اقتصاد جهان را تولید می کند. یعنی ۱۴۰۰۰ میلیارد دلار یا چیزی بیش از ۴۰ برابر ایران). ما می خواهیم در افق سال ۱۴۰۴ (بر اساس سند چشم انداز ۲۰ ساله) قدرت اول منطقه از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و نظامی باشیم. ترکیه فاقد منابع نفتی است و نفت مورد نیاز اقتصاد خود را وارد می کند. با این وجود در حال تبدیل شدن به مرکز مبادلات انرژی منطقه است. منطقه ای که ما در نظر داریم شامل آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای پیرامون از جمله همسایگان شرقی و غربی است. برای مقایسه اقتصاد ایران با اقتصاد ترکیه بهتر است درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام و فرآورده های نفتی و نیز مقدار نفتی را که در داخل مصرف می کنیم از اقتصاد خود خارج کنیم تا با ترکیه قابل مقایسه باشیم. از این منظر اگر قیمت هر بشکه نفت صادراتی در سال ۲۰۰۸ را حدود ۷۰ دلار محاسبه کنیم و روزی ۴ میلیون بشکه نفت خام استخراج داشته باشیم (۲/۴ میلیون بشکه از آن را صادر و باقی مانده را به مصرف داخلی می رسانیم)، سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار ارزش نفت استخراجی ما خواهد بود. حالا این مقدار را از تولید ناخالص داخلی خودمان کسر کنیم، تولید ناخالص داخلی ما برای مقایسه با ترکیه برابر ۲۸۵ میلیارد دلار خواهد بود. به عبارتی دیگر ترکیه در همسایگی ما حدود سه برابر ما تولید ناخالص داخلی دارد.

اکنون رابطه ایران و ترکیه همه جانبه و مثبت است و به نظر می رسد که این رابطه بیش از ایران برای ترکیه سودآوری دارد، ترکیه تلاش دارد از فرصت های بدست آمده خوب بهره گیرد تا بتواند از طریق انتقال انرژی ایران به اروپا منافی بدست آورد.

در واقع ترکیه در شرایط کنونی سعی دارد به هر طریق در مناسبات و مراودات منطقه‌ای حضور داشته باشد و از این جهت به نفع این کشور است که در خاورمیانه از همسایگی با کشورهای ایران بهره برد. آنکارا در سیاست نگاه به شرق برای تقویت جایگاه خود در خاورمیانه استفاده می‌کند و شاید با این ابتکار عمل درصدد است به اتحادیه اروپا نشان دهد که کشوری تاثیرگذار در منطقه است و بر این اساس عضویت ترکیه در این اتحادیه می‌تواند حلقه ارتباطی مناسبی میان اروپا و آسیا و به ویژه خاورمیانه ایجاد کند.

این تلاش‌ها و سیاست‌های ترکیه بسیار مثبت است اما چندان به نفع ایران نیست چراکه ترکیه در این معادلات منطقه‌ای سعی دارد جایگاه از دست رفته ایران را بدست آورد، آن چه ترکیه در این معادلات کسب می‌کند منافی است که ایران می‌توانست نصیب خود کند که اکنون عاید ترکیه می‌شود. اما به تازگی از طرحی سخن گفته می‌شود که بر اساس آن اورانیوم ایران می‌تواند به ترکیه انتقال داده شود، در این ارتباط به نظر نمی‌رسد که ترکیه تکنولوژی هسته‌ای را برای همکاری با ایران در اختیار داشته باشد بر این اساس تنها می‌توان نتیجه گرفت که ترک‌ها همچون موارد دیگر علاقمند به واسطه‌گری در این خصوص هستند.

موقعیت ترکیه به گونه‌ای است که این کشور را به سرپل ارتباطی تبدیل کرده است و این نقش را به واسطه سیاست داخلی منسجم و پیگیری‌های مثبت سیاست خارجی بدست آورده است. با این حال مقامات ترک بارها نقش میانجی میان ایران و غرب را تکذیب کرده‌اند؛ این مساله ناشی از آن است که ایران به ترکیه به عنوان یک کشور اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان اقتصادی اگو نگاه می‌کند. در این چارچوب نسبت به نقش میانجی ترکیه میان ایران و غرب در داخل ایران نگرش منفی وجود دارد که ترکیه خواهان عمق گرفتن این نگرش منفی در جامعه ایران نیست؛ چراکه سطح مبادلات اقتصادی این کشور با ایران طی سی سال گذشته بیست برابر شده است.

از این رو ترک‌ها همواره میانجیگری خود میان ایران و غرب را تکذیب کرده‌اند، در عین حال ترکیه کشور مهمی است و عضویت این کشور در اتحادیه اروپا عضو قطعا به نفع ایران خواهد بود، اما لازم است تهران برای کسب منافع بیشتر از همسایگی با ترکیه ساز و کارهایی را که بیشتر به سیاست داخلی باز می‌گردد، تنظیم کند. این کار در کنار به کارگیری کلیه نیروهای ملی و ایجاد وحدت در داخل، تعامل با محیط بین‌المللی را امکان‌پذیر می‌کند.

نتیجه گیری

ترکیه در حال تبدیل شدن به قدرتی منطقه‌ای است و در این راه تمام نیروها در راستای منافع ملی گام بر می‌دارند. سیاست خارجی ترکیه ناشی از سیاست داخلی منسجمی است که می‌تواند همه نیروها را از بخش خصوصی و دولتی با سیاست داخلی منسجم و تامین منافع ملی در فضای متشنج پراشوب رهنمون شود. این سیاست داخلی استفاده بهینه از همه فضاهاست زیرا که در ترکیه بر این باور هستند که برای بازی در صحنه بین الملل، به جدیت و کارایی نیاز دارند و کشوری هستند که بر مبنای تولید و نه فروش مواد خام متکی است. این باور ملی سبب شده است که با وجود نداشتن منابع مواد خام از جمله انرژی، به تولید، تجارت و خدمات متکی باشند. توریسم ترکیه صنعتی پیشرفته دارد و در همه زمینه‌ها توسعه پیدا کرده است. ممکن است گفته شود کشور ما به جهت ساختار حکومتی نمی‌تواند همانند ترکیه فضاها را خود را بروی همه باز کند. اما در سرمایه گذاری بخش صنعت و کشاورزی هم ترکیه موفق عمل کرده است. سال‌ها پیش از ترکیه به عنوان مقروض‌ترین کشور یاد می‌شد. اما همان زمان معلوم بود که ترکیه از وام‌های خارجی نه برای هزینه‌های مصرفی، بلکه برای سرمایه گذاری در تولید بهره می‌گرفت که امروزه در سایه همان بدهی‌های خارجی، به تولید و خدمات گسترده دست یافته است.

در فضای سخت رقابت بین المللی درایت لازم است و مدیریت و بازیگران با کفایت. کشوری می‌تواند از موقعیت ژئوپلیتیک خود بهره گیرد که آن را مدیریت کند در غیر این صورت نه تنها این موقعیت به نفع او نخواهد بود، بلکه شرایط به ضرر او خواهد بود. ترکیه و ایران مثال‌های خوبی برای موقعیت ژئوپلیتیکی هستند. چرا ترکیه با وجود نداشتن منابع انرژی به مرکز تبادلات انرژی و کشوری تاثیر گذار در صحنه بین الملل تبدیل شده است و ما همچنان بدنبال یافتن جایگاه از دست رفته خود هستیم. ما باید جایگاه خود، منافع ملی، امنیت ملی و وحدت ملی خود را باز تعریف کنیم.

**دکتر بهرام امیراحمدیان، مدرس دانشگاه و پژوهشگر ارشد مسائل اوراسیا*

منابع:

سایت اطلاع رسانی گمرک ج. ا. ایران، اطلاعات واردات و صادرات جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۷

<http://www.irdiplomacy.ir/index.php?Lang>

<http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=94957>

World Bank Development Indicators, April 2009

<http://www.irica.gov.ir/Persian/AmarView/MonthView.aspx>